

## تفاوت بنیادی ساختار و نگرش خانواده امروز و گسست نسلی

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۲۰

کد مقاله: ۵۴۸۰۱

کبری رحیمی<sup>۱</sup>، سعدالله رحیمی<sup>۲</sup>، سودابه موسوی<sup>۳</sup>

### چکیده

خانواده در لغت به معنای دودمان و تبار آمده است. نخستین اشارت به خانواده ایرانی در عهدعتیق و دوران باستان است. نیز از ترسیمی ترین اجتماعات بشری، آریایی ها در ایران با کانون خانواده هستند این تحقیق پژوهشی با شیوه میدانی در پیشینه تحقیق تفاوت تعریف دقیق خانواده از دید صاحب نظران را به این سبب می داند که، خانواده از گذشته تا به امروز، به شدت از ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی متأثر است. ولی، خانواده در قدیمی ترین اسناد چون اوستا نیز دارای جایگاه و اهمیت بوده است. یافته ها در راستای اهمیت خانواده نشان می دهد نقشهای جنسیتی همواره مهم است. رابطه نقش کمال گرایی والدین در خانواده با نقش جرات ورزی فرزندان در پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل است و فرضیه ها با ضریب همبستگی پیرسون تفاوت معناداری را نشان می دهد، تفاوت در میان دختران بیش از سایر گروه های هدف بیشتر دیده می شود. نتیجه اینکه مبانی نظری بنای خانواده بر اساس تغییرات رو به رشد و ارائه راهکاری بنیادی در روند تکاملی خانواده بیان می شود

واژگان کلیدی: گسست نسلی، تفاوت بنیادی، خانواده

۱- کارشناس ارشد مطالعات زنان؛ C7422623@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادب فارسی؛ Sadi.rahimi77@gmail.com

۳- کارشناس ارشد منابع طبیعی؛ Sodabeh.mosavi@yahoo.com

## ۱- مقدمه

پایبندی به حقوق کامل، در یک خانواده موفق امری ضروری بنظر می‌رسد، این توجه و اهمیت دادن به حقوق فردی و اجتماعی افراد خانواده با دسترسی به حقوق جامع شهروندی زمینه یک جامعه و جهان سالم را فراهم می‌کند، زیرا، همراه با نظام اخلاقی کامل و منسجم است که فرزندان نسل‌های متوالی رشد منطقی روز افزون را، در راه رسیدن به خانواده‌ای سالم را تجربه خواهند کرد. بر اساس تفکر کمال‌گرایی خانواده در جامعه سالم نمونه‌گیری‌ها پاسخ‌های بهتری از خود بروز می‌دهند. در یک جامعه آماری نمونه، هدف اصلی پژوهش بررسی وضعیت پایبندی فرزندان و پدر و مادر در احترام متقابل است کار تحقیق را با علاقه کاربران دخیل می‌سازد و پیش می‌برد. در این مقاله تحقیقی اهداف مقطعی نیز انعطاف‌پذیر و کارشناسی شده است. جامعه آماری ۱۸۵ تن از پسران و دختران در سن ۱۴ تا ۲۵ سال. تعداد ۵۵ دختر و ۵۰ پسر و والدین مرد ۴۰ و والدین زن ۵۵ برای نمونه‌گیری به گونه‌ای تصادفی انتخاب شده است. و ابزار نمونه‌گیری: پرسشنامه و تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها با ضریب همبستگی پی‌رسون است که تفاوت معناداری را نشان می‌دهد و در میان دختران بیش از سایر گروه‌های هدف تفاوت بیشتر دیده می‌شود. در طرح متغیرهای تحقیق، تلاش‌ها بر رسیدن به یک نظام اخلاقی کامل و منسجم برای روابط خانوادگی، و در دسترس عموم قرار دارد. جایگاه فرزندان در ساختار خانواده و رابطه هر کدام از والدین با ایشان، تعریف می‌شود. ساختار دقیق و روشن برای خانواده تعریف می‌شود، میزان انعطاف‌پذیری در ساختار پیشنهادی خانواده تعبیه شده است. رسیدن به این مطلب که نظام حقوقی خانواده، به صورت کنونی کامل و یا نیازمند نگاهی نو است در خاتمه بررسی‌ها مشخص خواهد شد. تحقیقاتی از این دست می‌تواند پاسخگوی مسائل امروز خانواده‌ها باشد. از طرفی، شرایط فرهنگی و اجتماعی امروز تا چه حد قابل‌پذیرش است و تغییرات، در کجا و به چه میزان ضروری به نظر می‌رسد. بعلاوه اینکه، میزان پایبندی به حقوق کامل برای یک انسان در اجتماع تا چه اندازه میسر است، از اهم مسائلی است که در طی تحقیق در نظر گرفته شده است. روش تحقیق: به شیوه تحلیلی و پژوهشی، با شیوه برگ برداری از منابع مکتوب و استناد به استنباط‌های عملی در استفاده از پرسشنامه در بهبود وضعیت الگوهای ارائه شده انجام شده که در راستای یک تحقیق از نوع بنیادی جای دارد. و در هدف، اعمال مفهوم پویای یک ارتباط درست و منطقی با لحاظ کردن مقتضیات زمان است. از جهتی، حفظ اصول انسانی و اجتناب از ورود افکار التقاطی، در ساختارهای حاکم بر خانواده امروزی با چالشی کمتر، مورد نظر است و در میانی نظری این تحقیق، بنای خانواده بر اساس تغییرات رو به رشد در روابط والدین و فرزندان و ارائه یک راهکار کارآمد در روند تکاملی خانواده در حال رشد منطقی تعریف شده است. جستجوها دامنه وسیعی از آرا متفاوت را در زمینه رسیدن به تعریف واحدی از خانواده نمایان می‌کند.

## ۲- پیشینه تحقیق

تحقیقی را اشرف السادات موسوی در سال ۱۳۷۹ با موضوع عملکرد نظام خانواده و بهداشت روانی اعضای خانواده انجام داده‌اند و در نتیجه اظهار می‌کنند که: عملکرد کلی نظام خانواده‌های «سالم» و «پریشان» کارآمد بوده و تفاوت‌چندانی با یکدیگر ندارند، ولی عملکرد خانواده‌های «افسرده» در مقایسه با دو گروه دیگر ناکارآمدتر بوده است. خانواده‌های «افسرده» از همبستگی و انعطاف‌پذیری کمتری برخوردار بوده و اعضا ارتباط کمتری با یکدیگر داشته‌اند. در خانواده‌های «افسرده» قدرت به طور نامتعادل بین پدر و مادر تقسیم می‌شود و اختلاف والد-فرزند بیشتر به چشم می‌خورد. والدین خانواده‌های افسرده در تربیت فرزندان ناهماهنگ بوده، از زندگی زناشویی رضایت کمتری داشتند و رابطه جوانان و والدین دوستانه و رضایت‌بخش نبوده است. در تحقیقی که محمد علی بشارت و همکارانش در سال ۱۳۸۷ با موضوع مقایسه عملکرد خانواده بیماران مبتلا به اختلال مصرف مواد و خانواده افراد بهنجار، انجام داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که: بین عملکرد خانواده بیماران مبتلا به اختلال‌های مصرف مواد افیونی و عملکرد خانواده افراد بهنجار، تفاوت معنادار وجود دارد. به این معنی که مشخصه‌های خانوادگی ناکارآمد می‌توانند شدت ابتلا به اختلال‌های مصرف مواد افیونی را در معتادان پیش‌بینی کنند. همچنین، در تحقیقی که محمد حسین ساقی و همکارانش در سال ۱۳۸۷ با موضوع رابطه ادراک نوجوانان از عملکرد خانواده با سازگاری آنها به انجام رسانده‌اند این نتیجه را اعلام می‌دارند که: ادراک نوجوانان از عملکردهای خانواده ارتباط معنا داری با سازگاری آنها دارد و عملکردهای خانواده می‌تواند سازگاری نوجوانان را پیش‌بینی کند. اینها تنها نمونه‌ای از گزارش کار علاقمندان پژوهشگر در امر خانواده، آنها هم در زوایایی برگزیده است که شرح بیش از این در این مقاله نمی‌گنجد.

## جدول شماره ۱. متغیر- بازبرد

گسست نسل‌ها	تغییرات عمیق در نظام ارزشی و اجتماعی برای فرزندان کمتر قابل‌پذیرش نیست- نبود یک شیوه کارآمد از سوی والدین
وضعیت بانوان	وضعیت رو به بهبود و گاه جنبه ایستا

کم رنگ شدن عنصر باورها و تقدم منافع دنیوی	اصالت یافتن لذات مادی بر لذت های معنوی؛ فردگرایی
تغییرات ارزش ها	ترویج برابری و مشابهت بدون لحاظ تفاوت های جنسیتی و اختلاط نقش های خانوادگی و گاه تضعیف نقش های مادری و همسری
نبود مهارت ها و آگاهی جنسی	کم رنگ شدن نقش خانواده در انتقال مهارت ها و عدم برنامه ریزی نهاد ها و سازمان های متولی
انحراف از ساختارهای خانواده متعادل	رواج ساختار اقتدار عرضی یا دموکراسی
آموزه های مدرن	در دو جنبه، آسیب زا- مطلوب
تفکرات فمینیستی برای مشابه سازی	کم توجهی به اساس تفاوت های طبیعی زنان و مردان
تعریف درست از عشق	انعطاف پذیری، خودشناسی بر مبنای اعتقاد و باور عاشقانه

جدول شماره ۲. متغیرها، تعداد، درصد

متغیر	تعداد	درصد
خرده نظام های تاثیرگذار	۱۶	۰.۴۴
تغییرات ساختاری نوگرا	۳۹	۰.۱۱۱
انحراف از ساختارهای سنتی	۴۳	۰.۱۱۳
تغییر نگرش - جرات ورزی	۲۲	۰.۰۶
فقدان مهارت	۵	۰.۰۱۵
تحقیر یا تحمیل و تغییر ارزش ها	۱۹	۰.۰۵۵
کم شدن ارتباط نسل ها	۹۸	۰.۳۰۰
کمال گرایی	۸۹	۰.۲۶۷
تفاهم	۳	۰.۰۰۹
نداشتن آگاهی	۴	۰.۰۱۲
تعادل روانی	۱۱	۰.۰۳۳
واقع بینی پایدار	۵	۰.۰۱۵

کم شدن ارتباط نسل ها (۰.۳۰) آمار را در مرتبه نخست جدول دارد، و کمال گرایی با ضریب تاثیر (۰.۳۷) مکان دوم را در اختیار دارد. خرده نظام های تاثیرگذار تنها ۰.۴ را به خود اختصاص داده اند و واقع بینی پایدار و تعادل روانی در پایین ترین سطح (۰.۰۳ و ۰.۰۲) از جدول را به خود اختصاص داده اند. توجه به بیشترین و کمترین مراتب سنجشی در روند حرکت خانواده حائز اهمیت است. مقوله تغییرات ساختاری نوگرا و تفاهم دو رتبه (۰.۱۱) و برابر را در جدول دارا هستند. تغییر نگرش و جرات ورزی و فقدان مهارت نیز توانی برابر با (۰.۰۶) را دارند. تحقیر یا تحمیل و تغییر ارزش ها با (۰.۰۵) رتبه بعد را دارا هستند که هریک در جایگاه خود در تغییر روند شکل گیری و تحولات ساختاری خانواده اثرگذار هستند. نرم افزارهای آماری در علوم اجتماعی با استفاده های استنباط و توصیفی، در آمارهای آزمون پیش فرض تحقیق شیوه تحلیل و تجزیه و گردآوری اطلاعات از نوع همبستگی است. بررسی نرمال بودن نمرات پارامتریک شامل آزمون، اسمیروف، کلموگروفو در نهایت فرضیه های پژوهش استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و مدل رگرسیون تک متغیره برای پیش بینی، رابطه آزمون و T مستقل و تحلیل واریانس یک طرفه است. جهت تفاوت میانگین متغیرها بین دختر و پسر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

### ۳- خانواده و عوامل آسیب زا

چنانکه ذکر شد، خانواده ای که شکل می گیرد، به شدت از ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی حتی سیاسی و مقتضیات روز متاثر است. افرادی که در درون این ساختارها رشد کرده اند و باورها، نگرش ها و مهارت هایشان شکل گرفته، ناگزیر، خانواده ای متناسب با این ساختارها تشکیل می دهند. اعضای خانواده در حین رشد به هویت اختصاصی و یکتای خود دست می یابند، ولی باز هم به گروه خانوادگی دلبستگی دارند و بنابراین هویت یا تصویر جمعی خاص خود را حفظ خواهد کرد. این اعضا در انزوا زندگی نمی کنند، بلکه به یکدیگر وابسته اند؛ آن هم نه فقط به خاطر پول، غذا، و سر پناه، بلکه به خاطر نیاز به عشق و محبت، همکاری و همبازی، جامعه پذیری و سایر نیاز های ملموس. این افراد برای دستیابی به کارکردموفق باید خود را با نیاز ها و خواسته های متغیر سایر اعضا و همچنین انتظارات متغیر شبکه خویشاوندی بزرگتر، محله، و در نهایت کل جامعه منطبق سازند. (گلدنبرگ، ۲۰۰۰) صنعتی شدن و تغییر الگوهای تولید، تغییرات گسترده در ساختارهای اجتماعی، اصلاحات دینی و جایگزینی انسان محوری به جای خدا محوری، غلبه نگرش واقعی در علوم، حضور تاثیر گذار و فرهنگ ساز تکنولوژی های جدید در زندگی مردم، ظهور جنبش های فمینیستی و حمایت منابع قدرت جهانی از آنها به دلیل همسویی منافع و بسیاری تغییرات دیگر که مدرنیته در زندگی انسان غربی پدید آورد، به اجبار خانواده ای متفاوت از قبل با ساختاری جدید از روابط، حقوق و اخلاقیات

شکل گرفت. خانواده‌ای که مرد آن حتی اگر مهارت داشته باشد، قادر نیست مدیریت کند، حمایت اقتصادی از زن را تضمین کند. در این روند نقش‌های سنتی زنانه ارزش محسوب نمی‌شود. خانواده‌ای که نمی‌تواند بر منفعت فردی اعضای خود غلبه کند، خانواده‌ای که برای تربیت فرزندانش، از اختیارات لازم برخوردار نیست و بسیاری شاخص‌های دیگر که آسیب‌های خانواده را از حد نارضایتی‌های محدود دوران سنتی خارج کرده و فروپاشی خانواده را در افق دید اندیشمندان جهان نشانده و به عنوان یک چالش مطرح شده است. کشور ایران نیز به همان نسبت که از روی اجبار یا بر اساس سیاست‌گذاری‌های کلان از جریان مدرنیته تأثیر پذیرفته، تغییر در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و به تبع آن تغییر در ساختارهای خانواده را شاهد بوده و همین تغییرات گسترده است که آسیب‌های کارکردی ذکر شده برای خانواده را در پی داشته است. برای بررسی دقیق‌تر عوامل آسیب‌زا در نهاد خانواده، می‌توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد که بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. دسته اول افراد تشکیل‌دهنده خانواده هستند که به دلیل ضعف در مهارت‌ها و انحراف در نگرش‌ها به خانواده آسیب می‌زنند. دسته دوم انحراف در ساختارهای مدیریتی، حقوقی و اخلاقی خانواده را شامل می‌شود و دسته سوم به انحراف در سایر نظام‌های اجتماعی موثر بر خانواده اشاره دارد. در هر روی، عواملی هستند که به گونه‌ای مستقل ولی، بسیار تأثیرگذار هستند. جرات‌ورزی در میان فرزندان با بیشترین تأثیر در تحلیل است ولی ابراز وجود بنیادی فرزندان هیچ سهمی را به خود اختصاص نداده است، با وجود این لازم است در نوع نگرش والدین در نظر گرفته شود، تا گزینه کمال‌گرایی نزد والدین نمودی بهتر در روند تغییرات داشته باشد. مشکل خانوادگی بستگی به عنوان یک امر مهم، توانایی عملکردی و تمامیت خانواده را تهدید می‌کند که در آن صورت خانواده در حل مشکل ناتوان می‌شود.

خانواده‌گاهی مشکلاتشان مداوم است که در این صورت آن‌ها احساس تهدید نمی‌کنند، در این موارد میزان مشکلات به حدی است که خانواده برای حل مشکلات اقدام نمی‌کنند و در این مقوله نقش‌ها و ارتباط مهم است و ارتباط یک پیوستار از وضوح و روشنی تا ابهام و تاریکی را در بر می‌گیرد. «بوئن به منظور تسهیل در درک عملکرد کل نظام خانواده براساس روابط موجود بین اعضای خانواده اقدام به طراحی ژنوگرام یا نقشه خانواده نموده است. نقشه خانواده روشی برای تحلیل الگوهای زیستی، روان‌شناختی و اجتماعی موجود برای نسل‌ها فراهم می‌نماید، به گونه‌ای که با درک روشنی از آن، بتوان فرصتی برای تغییر الگوهای عملکرد نامناسب و جانشین نمودن عملکردهای کارآمد در خانواده ایجاد نمود.» (ویلیامز و ویلیامز، ۲۰۰۵) تعریف خانواده: خانواده در لغت به معنای تبار و دودمان است. ارائه تعریف دقیق درباره خانواده از دید صاحب‌نظران متفاوت است. برخی از جامعه‌شناسان معتقدند «گروهی از اشخاص که با پیوندهای خویشی به هم متصل می‌شوند اعضای بزرگسال آن مسئولیت بزرگ کردن کودکان را بر عهده دارند، خانواده را شکل می‌دهند.» (گیدینگز، ۱۳۷۶، برگ ۴۲۴) البته برخی، خانواده، را اولین و مهمترین نهاد برای تولد و پرورش همه جانبه فرزندان محسوب می‌دانند که در امر تربیت و انتقال ارزش‌ها و برقراری رابطه سالم و موثر با نسل بعدی درگیر تحولات و مشکلات متعدد است، که بر اثر وحدت افراد متشکل در آن از عهده انجام وظایف خود، بهتر برخورد آمد. کنکاش در پیشینه خانواده نشان می‌دهد، درباره تعریف خانواده اجماع کلی وجود ندارد تا جایی که تعاریف در تقسیم‌بندی خانواده و اشکال و ارکان آن تا مرز سردرگمی در تفاوت و تضادها پیش می‌رود. تحول خانواده: از آنجا که «تربیت را وسیله تجدید حیات و تغییر و ترقی فرد و جامعه می‌دانند.» (صدیق، ۱۳۶۴، برگ ۵۷۸) در گذر زمان هر تأثیر تربیتی، فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، سیاسی و اقتصادی با سهمی متفاوت خانواده را با خود همراه نموده است. امروزه اثر تحول و تغییرات بنیادی و تدریجی با سرعت بالا بر ارزش‌ها، رفتارها و بینش‌ها در خانواده بیش از گذشته به چشم می‌خورد. جنبه‌های فردی و اجتماعی خانواده را دیگرگونگی حاصل از تحولات نو تحت تأثیر قرار می‌دهد. خانواده ایرانی در تنش مقاومت در برابر این دیگرگونگی دوره‌ای از گذار تاریخی را سپری می‌کند. دگرگونی در خانواده موجب تحول در مسیر زندگی و تجربه زیستی تک‌تک انسان‌ها شده است. تحول خانواده به معنای تحول در سرنوشت افراد جامعه است. تحولات خانواده از یک طرف، ریشه در متحول شدن بنیان‌ها و نهادهای جامعه مانند دین، علم، فناوری، هنر، جهان‌بینی، سیاست و اقتصاد دارد. همچنین، پیامدهای تحول خانواده، دامن‌گیر تمامی ارکان جامعه، اقتصاد، فرهنگ و سیاست می‌شود. سرنوشت جمعی نیز به تحول خانواده گره خورده است. نکته دیگر میزان آگاهی‌ها نسبت به تحولات خانواده است که سبب توجه بیشتر به روند چگونگی تغییرات در رشد افراد می‌گردد. خودآگاهی روز افزون در زمینه زندگی اجتماعی و فرهنگی انسان امروز نسبت به گذشته سبب می‌شود تا به تغییرات خانواده درگستره بیشتری توجه شود و به نحو عینی‌تر این تغییر و تحولات درک شود. گاه انسان امروز نسبت به وضعیت خود منتقدانه می‌اندیشد. یعنی تحولات جامعه و فرهنگ، دیگر بصورت تدریجی و ناخودآگاه در مرور زمان کمتر صورت می‌گیرند و در زندگی انسان امروز تغییرات بسیار سریع و شتابان انجام می‌شوند. به نظر می‌رسد که شکل خانواده هسته‌ای پس از روند صنعتی شدن غرب، تبدیل به شکل مسلط خانواده در غالب مناطق جهان شده است. در بیشتر کشورهای جهان سوم تغییرات گسترده‌ای در حال وقوع است که بر شکل و ساختار خانواده در این جوامع تأثیر می‌گذارد. به طور کلی این تغییرات، حرکتی جهانی در جهت تفوق خانواده هسته‌ای ایجاد می‌کند و نظام‌های خانواده گسترده و انواع دیگر گروه‌های خویشاوند و نوع ارتباط را تعریف جدیدی می‌کند. نهادهای اجتماعی فعال و عملکرد برنامه ریزان آموزش و پرورش به عنوان نهادی پایه‌ای و تأثیرگذار در هر کشور سبب تحول رو به رشد خانواده

خواهد بود. خانواده صرفاً حضور تعدادی از افراد که در یک فضای فیزیکی و روان شناختی در کنار هم قرار دارند، نیست. خانواده به عنوان یک سیستم اجتماعی- فرهنگی تلقی می شود که در کنار همه خصوصیات دیگرش، دارای مجموعه ای از قواعد است و هر یک از اعضایش نیز نقش خاصی دارند. این سیستم دارای یک ساختار قدرت است که به وسیله آن، اشکال مختلفی از ارتباط را بروز می دهد. هر خانواده روش خاصی برای مواجهه با مشکلات دارد. اعضای این سیستم با هم رابطه ای عمیق و چند لایه ای دارند. همچنین اعضای خانواده تا حدود زیادی پیشینه مشترک، ادراکات درونی شده مشترک، مفروضات و دیدگاه های متفاوت درباره دنیا و برداشت مشترکی از اهداف زندگی دارند. افزایش بینش و آگاهی روان شناختی و کسب مهارت های لازم برای با طراوت نگهداشتن زندگی از جمله مهمترین عوامل تاثیرگذار در افزایش صمیمیت زناشویی است. (نظری، ۱۳۹۳) در روند رشد و کارکردهای خانواده مسائل بسیاری دارای اهمیت است.

مهم ترین کارکردهای خانواده عبارتند از: کارکرد زیستی، کارکرد تربیتی، کارکرد فرهنگی، کارکرد اجتماعی و کارکرد اقتصادی. عملکرد خانواده در کارکرد زیستی در جهت نگهداشت و بالا بردن سطح بهداشت و سلامت جسمانی و نیز فراهم کردن شرایط لازم برای رفع نیازهای بدنی اعضا، است. بررسی ابعاد این کارکرد و توجه به بدکارکردی های خانواده در این زمینه، می تواند خانواده ها را در جهت ارتقای این نوع کارکرد یاری کند. مهم ترین ابعاد این کارکرد را در رفع نیازهای بدنی، تأمین سلامت جسمانی، تأمین رشد بهنجار جسمانی، پیش گیری از بروز بیماری ها و ناهنجاری های رشد، اعتدال در تأمین نیازمندی های جسمانی و فراهم آوردن شرایط لازم برای پرداختن به سایر ابعاد شخصیتی انسان می توان برشمرد و در کارکرد فرهنگی- تربیتی خانواده، نقشی اساسی در تربیت فرزندان یک جامعه مهمترین وظیفه است. به این ترتیب، از طریق نقش تربیتی انتقال فرهنگ جامعه به آنان انجام می گیرد. به عبارت دیگر از طریق انتقال فرهنگ به کودک و نوجوان می توان به رشد همه جانبه شخصیت او کمک کرد. با تربیت به مفهوم برنامه ریزی در جهت رشد همه جانبه شخصیت کودک و نوجوان در ابعاد بدنی، شناختی، عاطفی، اجتماعی، هنری و اخلاقی، در جهت وصول به اهداف متعالی اجتماعی خانواده کارآمدی موثر را خواهد داشت و در راستای کارکردهای دیگر خانواده چند مساله مهم در این تحقیق مد نظر است؛ نخست: گسست نسل ها، به عنوان یک چالش و دشواری جهانی، از سوی برخی کارشناسان داخلی به عنوان مشکل پیش روی جامعه و خانواده ایرانی در حال حاضر مطرح می شود. از یک سو ارزش های انتخابی والدین به دلیل تغییرات عمیق در نظام ارزشی و اجتماعی برای فرزندان کمتر قابل پذیرش است و از سوی دیگر شیوه کارآمدی برای انتقال ارزش ها از سوی والدین اتخاذ نمی شود. آنها اغلب از بودن در کنار یکدیگر کمتر لذت می برند. شرایط زمان و مکان در والدین و هم فرزندان بیش از گذشته تاثیر گذاشته است. فرزندان به والدین به عنوان راهنما و کنترل کننده در زندگی کمتر احترام می گذارند و شیوه عملکرد آنان را کمتر می پذیرند مساله دیگر؛ کم رنگ شدن عنصر باورها و تقدم منافع دنیوی، اصالت یافتن لذات مادی بر لذت های معنوی، فردگرایی و توجه به منافع فردی به جای صفات نیکوی ایثار و فداکاری و توجه به منافع خانواده به عنوان یک کل، افزایش زمینه برای برقراری روابط خارج از چارچوب، بویژه ازدواج و در یک کلام رسوخ ارزش های مدرن و آموزه های فمینیستی در باور مردم باعث افزایش ناسازگاری ها و کاهش تحمل افراد در مواجهه با کاستی ها و مشکلات معمول زندگی خانوادگی است. پاره ای دیگر از تغییر نگرش ها ویژه زنان است. جایگاه رو به بهبود دختران در خانواده، با افزایش سطح تحصیلات آنان و ورود زنان به بازار کار و کسب استقلال مالی، همزمان معلول دو موج فکری است که در بسیاری موارد آموزه های آن با یکدیگر خلط شده است. یکی نگاه اصیل تر با طرح تفکرات انقلابی نو درباره زن، و زندگی زنان را در ساختاری انقلابی در درون متحول کرده است. نیز، موج تفکرات فمینیستی که با ظهور انقلاب اسلامی نمود کمتری به خود گرفت، در دو دهه گذشته همزمان با رواج نظریات توسعه و مدرنیته در کشور، دوباره مطرح شده و امروز بیشتر از سوی منابع مختلف داخلی و خارجی حمایت می شود و حتی بسیاری از زنان پایبند به ارزش ها را نیز با تصور مبهمی در این آموزه ها با خود همراه کرده است. این دو موج فکری متناسب با خاستگاه آنان تأثیری عمیق بر نگرش ها و انتظارات زنان از زندگی زناشویی و خانوادگی برجای گذاشته اند. بخشی از این تغییرات مانند افزایش اعتماد به نفس، ابراز نیازها و مطالبه حقوق به حق خود، رشد فکری، حضور سالم اجتماعی و کسب درآمد متناسب با مصالح خانواده، مورد تأیید قرار می گیرد. هنوز کم نیستند مردانی که تمایل ندارند سنت های گذشته را به نفع نگاه مردانه کنار بگذارند و نمی توانند زندگی سالمی را با زنان رشد یافته ادامه دهند و نقطه مقابل را در تمایل اندک زنانی با نگرشی سنتی را در دنیای مدرن امروز دیده می شود. از موارد قابل ذکر دیگر، بخشی از تغییرات مانند کم ارزش جلوه دادن یا افراط در ارزش ها را به خود اختصاص می دهد. خصوصیات نقش های زنانه و الگو قرار دادن ارزش های دنیای مردانه برای زنان، یا برعکس، ترویج برابری بدون لحاظ تفاوت های جنسیتی و مساله شباهت و یا برابری زن و مرد، اختلاط نقش های خانوادگی، تضعیف نقش های مادری و همسری در راستای تحولات بیش از پیش در جامعه از نمونه های بارز است. « هوالخالق الباریء المصوّر، او خداوندی است خالق، آفریننده ای بی سابقه و صورتگری بی نظیر. ۱۰ (حشر، ۲۴) و در آیه ۲۱ سوره روم، نقش آرامش در خانواده بیان شده است. از مسائل شاخص دیگر، نبود مهارت ها و آگاهی های لازم برای افراد در مسائل جنسی و کافی نبودن دانش در روابط درست و مناسب خانوادگی، سهم عمده ای از آسیب ها را به خود اختصاص داده است. در گذشته، خانواده تنها مرجع انتقال این مهارت ها و آگاهی ها و دانایی بود، ولی، پیچیدگی شرایط زندگی امروز و به دنبال آن، کم رنگ شدن

نقش خانواده در انتقال مهارت‌ها و عدم برنامه‌ریزی نهادها و سازمان‌های دست‌اندر کار مانند رسانه‌ها و نظام آموزش پرورش برای این مهم، خلاء جدی در این زمینه به وجود آورده است. مورد دیگر، تعدد اشکال و انحراف در ساختارهای خانواده متعادل با ساختار روشن و منسجم است. بیش از پیش است. یک نمونه رواج ساختار اقتدار عرضی یا دموکراسی در خانواده است که پدر و مادر و فرزندان را در یک سطح از تصمیم‌گیری قرار می‌دهد و هیچ‌کس مجاز به دخالت در امور دیگری یا اعمال نظر خاص نیست، در حالی که ساختار خانواده دینی به صورت طولی و با ریاست مرد و حیطة گسترده مسئولیت‌های او به همراه توصیه‌های اخلاقی تعریف شده است. این تغییر ساختاری در سایر نقاط جهان نیز اتفاق افتاده و بررسی در مورد پیامدهای آن، نتایج گاه متناقضی از آثار مثبت و منفی نشان داده است. با توجه به حساسیت و تاثیرگذاری و چالش برانگیز بودن، پرداختن به این موضوع ضروری است. تغییر نگرش زنان و مردان جامعه که به سرعت رخ داده و آموزه‌های مدرنی که باور نسل‌های جدید را شکل داده و می‌دهد، بدون شک بر ذائقه افراد تاثیر می‌گذارد و ساختارهای متناسب با این باورها را طلب می‌کند، که نکته‌ای مورد نظر است. به این دلیل، گاه برابری نقش‌های زن و مرد با تمام مشقت جسمی و روحی که بر زنان حمل می‌کند و آسیبی که به کانون خانواده می‌زند، همچنان مطلوب آرمانی غیرقابل انکار بسیاری از زنان است. همچنین، تلاش‌هایی برای مشابه‌سازی حقوق زن و مرد در خانواده بر اساس تفاوت‌های طبیعی زنان و مردان و به منظور استحکام و کارایی خانواده طراحی شده است از نمونه‌های دیگر در تغییرات ساختاری مورد بحث است، که در هر دو جنس به وفور دیده شده است. گام نهایی، تعریف درست از عشق و دوست داشتن را دربردارد. بنای ساختارهای درست یک چارچوب تعریف شده، انعطاف‌پذیر، با نوعی ارتباط درونی افراد، ثبات خانواده را تضمین می‌کند. خودشناسی بر مبنای اعتقاد و باور عاشقانه مطابق با فلسفه خلقت بشر در این قالب است که نتایج تحقیق در بیشتر موارد حکایت از درهم شکسته شدن چارچوب‌های کلیشه‌ای دارد و رفتن جوامع بویژه در کشورهای در حال توسعه به سمت قالب و ساختاری نو و این بر اهمیت انتخاب موضوع مقاله افزوده است.

جدول ۳. آماره‌های توصیفی متغیرهای وابسته و مستقل مورد بررسی

متغیر	میانگین	میان	انحراف	استاندارد	کوچکتر، بزرگتر	کمال گرایی والدین	گویه‌های وابسته و مستقل مورد بررسی
۰/۵۳	۵۱	۵۱	۱۱/۵۳	۱۹	۱	۱۵	والدین کمال‌گرا
۰/۲۸	۰۱	۰۱	۲/۵۵	۹	۱	۱	والدین خویشتن‌مدار
۰/۱۵	۰۹	۰۹	۵/۲۰	۲	۱	۱	والدین دیگرمدار
۰/۵۲	۳	۳	۲/۰۰	۵	۹	۳	والدین جامعه‌مدار
۰/۵۵	۵۳	۲۹	۱۵/۹۳	۰۰	۸	۵	ابراز وجود بنیادی فرزندان
۰/۳۵	۵۲	۵۲	۱۵/۵۵	۱۵	۳	۳	ابراز وجود مقابله‌ای فرزندان
۰/۵۱	۱۱۲	۱۱۲	۰۱/۲۵	۵۸	۱	۲۸	جرات ورزی فرزندان

#### ۴- یافته‌ها

در خاتمه طرح، بررسی داده‌ها نرمال است. پیش از اجرای آنالیز واریانس لازم، اسمیرنوف کولموگروف و آزمون نرمال بودن دخترها و پسرها و قوی بودن والدین در پارامتریک‌ها در مداری دیگر فرض نبود و این نقص کار بوده است. حجم نمونه‌ها در آزمون‌ها در پارامتریک‌ها برای داده‌ها بلامانع است. و نتیجه این که سیرتحوالات و سرعت تغییرات ساختار خانواده را تحت تاثیر قرار داده است. ضرورت یک الگوی اجرایی مناسب و مطمئن احساس می‌شود. کارآمد نمودن طرح‌های اجرایی درباره خانواده تنها از طریق تحقیقات و پژوهش‌هایی امکان‌پذیر است که دور از ملاحظات شخصی، گروهی و فکری حاکم بر جامعه انجام شود. در سایه واقعیات و تبیین راهبردها و تکاپوهای علمی بی‌شک خانواده در راه جامعه و جهانی شدن کمتر آسیب خواهد دید.

#### منابع

- قرآن حشر. آیه ۲۴
- گیدینگز، آنتونی، (۱۳۷۹)، «جامعه‌شناسی»، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ سیزدهم، تهران: نشر نی
- صدیق، عیسی، (۱۳۵۶)، «روش نوین در آموزش و پرورش»، چاپ بیست و سوم، تهران: افست
- گلدنبرگ، گلدنبرگ، (۲۰۰۰)، «خانواده درمانی»، حسین شاهی برواتی و نقشبندی، ۱۳۹۲، تهران: نشر روان
- نظری، علی محمد، «اثربخشی برنامه پیشگیری و بهبود رابطه بر افزایش صمیمیت زناشویی زوج‌ها»، مطالعات روان‌شناسی بالینی، سال چهارم، تابستان. (۱۳۹۳). شماره ۱۶
- ویلیامز، ویلیامز، (۲۰۰۵)، «بارداری و زایمان»، ویراستار گاری کاتینگهام و دیگران، تهران: گلپان، ۱۳۸۴